

# مختار ثقفی

مباحثه‌ای از دکتر شیخ ناظم العقیلی درباره شخصیت و عاقبت مختار ثقفی

به مناسبت چهاردهم رمضان سالروز شهادت مختار ثقفی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## توضیحی کوتاه

امام احمدالحسن (علیه السلام) در تفسیر آیات ابتدایی سوره اسراء، قیام مختار را تحقق نخستین وعده از دو وعده خداوند، دانسته و او و سربازانش را مصداق "العباد المرسلین" (بندگان فرستاده شده خداوند) که قرآن از آن‌ها یاد نموده، معرفی می‌کند. (ر.ک: متشابهات ج ۱ س ۲۳)

در این بین اما برخی از مخالفان مختار شبهاتی را علیه او مطرح می‌کنند، به عنوان نمونه آن‌ها می‌گویند:

۱. مختار می‌خواست امام حسن (علیه السلام) را به معاویه تحویل دهد.
۲. مختار با عبدالله بن زبیر بیعت کرد.
۳. مختار مسلم بن عقیل را یاری نکرد.
۴. مختار علی‌رغم حضور امام سجاد، برای خود بیعت گرفت.
۵. مختار قیام توأیین را یاری نداد و موجب شد تا شیعیان کوفه دو دسته شوند.

برای آگاهی از پاسخ این شبهات، تا پایان این بخش همراه ما باشید.

## بخش اول

شخصی (با نام مستعار حیدر سلمان المجابی) که به دروغ وانمود می‌کرد از انصار امام مهدی (علیه السلام) است، به نشر تصویر مختار توسط شیخ ناظم العقیلی اعتراض کرده و نوشت:

«در رابطه با تصویر ضمیمه شده از مختار؛ مختار ثقفی رحمه الله از جام یاری نکردن امام حسین نوشید.

بدانید خداوند به شما توفیق دهد.

یاری نکردن به خاطر تن‌آسایی و راحت طلبی است.

حمد و ستایش از آن خداست و او سرپرست من و صالحان است.»

شیخ ناظم العقیلی در پاسخ او چنین گفت:

«در رابطه با مختار ثقفی رحمه الله او از شهیدان و دوستداران اهل بیت است و بنی امیه و بنی عباس حمله گسترده‌ای را علیه او ترتیب دادند تا او را بدنام کرده و تاریخ نورانی او را وارونه جلوه دهند.

و در افتخارات مختار همین بس که او از حسین (علیه السلام) خونخواهی نمود و موجب شادی دل ائمه و علویون شد. و خالص‌ترین علما و فرماندهان شیعه اهل بیت در آن زمان، زیر بیرق او پیکار کردند. و ائمه بر او رحمت فرستادند و بسیار از او تمجید کردند.

اینان دوستان و پیروان اهل بیت هستند که زندگانی خود را با خیر و بر ولایت اهل بیت به اتمام رساندند، ما نیز باید به حال خود پردازیم، ما

اکنون در عالم امتحان و غربال هستیم، آیا اکنون ما یاری دهندهٔ حجت خداوند هستیم یا یاریگر نفس و هوای نفس خودمان ... پناه بر خدا. به شخصه برایم شرافت و افتخار است که از یاوران و مدافعان مختار باشم.

دروود بر همه»

## بخش دوم:

### حیدر سلمان المجابی:

«زنده باشید شیخ عزیزمان

مختار ثقفی رحمه الله، آنچه به سود اوست به سود اوست، و آنچه که به ضد اوست بر ضد اوست، و ان شاء الله شفاعت علی (علیه السلام) شامل او خواهد شد.

اما تاریخی که شما با استناد به آن مدعی هستید که بنی امیه و بنی عباس برای تخریب مختار یا بدنام سازی او تلاش کرده‌اند، از همان تاریخ چنین نقل می‌شود که مختار خونخواه حسین (علیه السلام) بوده و برخی از قاتلان او را به قتل رسانده (زیر کلمه برخی خط بکشید) پس چرا یک بام و دو هوا!

به طور کلی من منکر این نیستم که در برخی از صفحات تاریخ دوستان آل محمد توسط دشمنان آن‌ها بدنام شده‌اند، این درست، ولی می‌خواهم توجه شما را به آنچه که در ادامه درباره مختار می‌گویم جلب کنم:

اول. مختار برای تحویل امام حسن (علیه السلام) به معاویه تلاش نمود، آنجا که به عموی خود مسعود ثقفی که استاندار مدائن بود به این مطلب اشاره کرد و این از مسلمات تاریخ است، حتی سید خوبی هم تلاش کرده تا مستنداتی برای این مطلب فراهم کند.

دوم. مختار با عبدالله بن زبیر ملعون بیعت کرد و زیر بیرق او جنگید.

سوم. هنگامی که مسلم بن عقیل در خانه مختار بود مختار او را بیرون انداخته و مدعی شد به دنبال جمع نمودن یار برای اوست، اما او را یاری نکرد، این مطلب مفصل است.

چهارم. مختار هنگامی که از حرکت حسین به سمت عراق آگاه شد خودش را تسلیم حکومت ابن زیاد ملعون نمود.

پنجم. مختار پس از شهادت امام حسین به واسطه نسبتی که با عبدالله بن عمر ملعون داشت و با دستور یزید بن معاویه ملعون، از زندان آزاد شد.

ششم. مختار سلیمان بن سرد خزاعی و نهضت توابین را یاری نکرد و موجب شد شیعیان کوفه میان او و سلیمان تقسیم شود.

هفتم. مختار ابتدا حاکمیت عبدالله بن زبیر در عراق را پذیرفت و سپس بیعتش با او را شکست.

هشتم. مختار از مردم کوفه برای خود بیعت گرفت آن هم در حالی که امام واجب الاطاعه یعنی امام سجاد حضور داشت.

نهم. مختار بسیاری از قاتلان امام حسین را نکشت مانند شبت بن ربیع و دیگران، و فقط کسانی را کشت که با حکومت او در کوفه مقابله نمودند. اینها برخی از مواردی بود که خودم درباره آنها تحقیق نمودم، خداوند به تو توفیق دهد.

و بطور کلی بر ما واجب است که همه شخصیت فرد را بیان کنیم همراه با همه نکاتی که به سود یا ضرر اوست، اما اینکه بخواهیم او را مبرا و پاک کنیم پس تنها خداوند می‌تواند او را پاک کند و من برای هیچکس بهشت را ضمانت نمی‌کنم، و تو هم نمی‌توانی برای کسی جهنم را تضمین کنی ای شیخ.

درباره تصریحات ائمه درباره مختار هم نسبت به آن اشکالاتی وجود دارد ان شالله.

والحمد لله وحده

هو ولی و هو یتولی الصالحین»

### شیخ ناظم العقیلی:

«اول. اعتقاد به درستی و عاقبت بخیری مختار به معنای اعتقاد به عصمت او نیست.

دوم. درباره چیزهایی که مختار پیش از وفاتش انجام داده، هر آنچه که گفته شده و یا نقل می‌شود محکوم به تطهیر نمودن ائمه و رحمت فرستادن آنان برای مختار است ... زیرا عاقبت و انتهای کارها ملاک است، و اساس هر انسانی آخرین آجری است که میگذارد.

سوم. روایاتی که از مختار تمجید کرده به دو دلیل بر روایاتی که او را مذمت نموده مقدم است:

اولاً: می‌توان روایات مذمت کننده را مشمول تقیه دانست، و هر روایتی که موافق عقیده اهل سنت باشد از روی تقیه و مانند آن گفته شده، مخصوصاً وقتی تعارض رخ دهد.

ثانیاً: در رابطه با روایاتی که ضد مختار است، احتمال دسیسه و جعل وجود دارد و بلکه این احتمال رجحان دارد، خصوصاً پس از ملاحظه حمله شدید که مختار بخاطر قصاص دشمنان اهل بیت با آن روبرو شد.

و بدین ترتیب روایاتی که مختار را مذمت می‌کند، متهم به وجوه متعددی است. پس نمی‌توان در برابر روایات مدح کننده مختار و مویدات و شواهدی که دارند، بر آن روایات تکیه کرد، چه رسد به اینکه واقعیت به نفع این روایات گواهی دهد.

و نمی‌توانیم نیت مختار را متهم کنیم زیرا ما مکلف هستیم که بر اساس ظاهر قضاوت کنیم، نه باطن، و ظاهر مختار نیز بوسیله نصوص شرعی معتبر تایید می‌شود.

چهارم. کلام سید احمد الحسن (علیه السلام) موافق روایات اجدادش که مدح کننده مختار هستند می‌باشد.

و این فصل الخطاب است.

برای تو از خداوند خواستار توفیق هستم.»



## بخش سوم

### حیدر سلمان المجابی:

۱. درستی و عاقبت بخیری مختار جای بحث دارد، به مورد هشتم مراجعه کن، بالاتر آن را آوردم (قسمت قبل).

۲. از بیانات ائمه، تطهیر نمودن مختار فهمیده نمی‌شود، بلکه همه روایاتی که در مدح مختار صادر شده از این باب است که اهل بیت از حیث اخلاقی خوبی را با خوبی پاسخ می‌دهند. اما روایات مذمت مختار طبق میزان شرعی است.

۳. اینکه نصوص را تابع "قوانین وضع شده برای بحث" قرار دهیم و آن را معیار پذیرش و ردّ هر نصی بدانیم، این تحکّم و زورگویی است و مباحثه کنندگان را به جدل می‌کشاند، و از آنجا که موضوع مقدس نیست بنابراین هر مباحثه کننده‌ای می‌تواند قانونی برای خود درست کند و این مسئله، بابی را برای نظرات دلبخواهی و عدم رعایت دقت و انصاف می‌گشاید.

۴. اما کلام آقا و مولایم احمدالحسن علیه السلام، آن هم همان کلام اجدادش می‌باشد و از باب "پاسخ دادن خوبی با خوبی" فرموده‌اند.

احمدالحسن خودش را به عنوان یک محقق اندیشمند قرار داده و آنچه را که موجب خروج از حق و ورود به باطل نمی‌شود معتبر می‌داند، و معتقدم که اعتقاد یقینی به حال مختار رحمه الله و اینکه طالب دنیا بوده، این موجب خروج از حق و ورود به باطل نمی‌شود.

بنی عباس ملعون در اول الزمان، شعار دنیاطلبی شان "یا لثارات  
الحسین" (خونخواهی حسین) بود و به فردی از آل محمد فراخواندند، و  
بنگر که عاقبتشان چه شد ..

ای شیخ درباره مردی که ابوبکر و عمر لعنهما الله را افرادی صالح  
می دانست چگونه فکر می کنی؟ به جان خودم سوگند که همین نکته  
برای زیر سوال بردن دین مختار کافی است، والسلام.»

### شیخ ناظم العقیلی:

«۱. من قوانینی برای بحث ذکر نکردم، بلکه کلام من به قانون اهل  
بیت در تعامل با روایات تکیه دارد. و حتی زراره بن اعین نیز از روایات  
مذمت کننده در امان نبوده [و در روایات مذمت شده]، این روایات از روی  
تقیه از اهل بیت (علیهم السلام) صادر شده و ما نسبت به آنها متعبد نیستیم،  
خصوصاً در هنگام تعارض با روایات دیگر، حال اگر تمایل داری که اهل  
بیت (علیهم السلام) را ارشاد و هدایت کنی و به تاویل و توجیه و استنتاج خودت  
تکیه کنی، به خودت مربوط است .. چقدر تاویلها و استنتاجها در طول  
مسیر زیادند!

۲. هر آنچه که قبلاً و اکنون درباره مواضع مختار گفתי با چهار نکته‌ای  
که در پاسخ قبلی‌ام نوشتم رد می‌شود.

وقتی روایاتی که از اهل بیت صادر شده یارای مقابله با روایات مدح  
کننده را ندارد، در چنین حالتی روایات دیگران و نصوص تاریخی دیگر  
چه وضعی خواهند داشت؟!

حتی اگر هزاران نص تاریخی در مذمت مختار رسید، اگر با یک روایت از روایات اهل بیت متعارض بود، همه آن نصوص تاریخی را به دیوار خواهیم کوبید. معمولاً تاریخ را طواغیت و فقه‌های بد و پیروانشان نوشته‌اند.

حتی اگر چیزی از آن روایات مذمت کننده ثابت بشود هم، به تو گفتم که ما در مقام اثبات عصمت مختار ثقفی نیستیم بلکه در مقام اثبات عاقبت بخیری او بر حسب ظاهر و بر اساس مدح نمودن و رحمت فرستادن آن‌ها بر مختار هستیم، و رحمت فرستادن معصوم مثل رحمت فرستادن دیگران نیست. و به تو گفتم که ملاک، انتها و عاقبت کارهاست.

۳. اما این کلامت که گفتمی مدح اهل بیت برای مختار، ناشی از "خوبی را با خوبی پاسخ دادن" است، این طعنه و خدشه بزرگی در حق اهل بیت است و دلیلی هم ندارد.

آیا ائمه علیهم السلام دروغ می‌گویند یا به ما می‌خندند یا در دین خداوند با ملامت و خوش رفتاری عمل می‌کنند؟ این رفتارها از آنان بدور است.

در هر صورت این اعتقاد توست و اعتقاد اهل بیت علیهم السلام و اعتقاد احمدالحسن علیه السلام نیست.

۴. اما اعتقاد تو درباره احمدالحسن و اینکه او خودش را مانند یک محقق اندیشمند قرار داده .. این فقط عقیده توست!

اما عقیده ما این است که احمدالحسن علیه السلام امامی معصوم و واجب اطاعه است که در دین خداوند سبحان از روی هوا و دلخواه سخن نمی‌گوید.

و سخن او موافق نظر اجدادش ائمه (علیهم السلام) است که مختار را مدح نمودند و این پاسخی است بر کسی که نسبت به مختار هجمه کند و او را از ولایت خارج کند.

در نزد ما کلام احمدالحسن (علیه السلام) فصل الخطاب است و از غیر او نصی نمی‌خواهیم و پس از سخن او نظر نمی‌دهیم و اجتهاد نمی‌کنیم.

افسار نفس‌ات را در تاویل کلام و مواضع اهل بیت (علیهم السلام) و احمدالحسن (علیه السلام) رها نکن.

و الحمدلله على نعمة الولاية»

## بخش چهارم

### حیدر سلمان المجابی:

«آیا مختار ثقفی نسبت به خطی و مشی امامش امام زین العابدین پایبند بوده؟ (البته اگر اصلاً به امامت ایشان معتقد بوده باشد!) اگر پاسخت برای این سوال "بله" باشد باید دلیل یقینی بیاوری، و به جان خودم قسم که بجز مطالب تاریخی چیز دیگری پیدا نخواهی کرد که به آن تکیه کنی.. حال اگر دلیل دیگری پیدا نکردی (که من هم بر همین باور هستم) در اینصورت آیا ما می‌توانیم به هر کسی که خودش تشخیص داد اجازه دهیم که به بهانه یاری دادن امامش سپاهی درست کند حتی اگر به خط و مشی او هم پایبند نباشد؟

بنابراین اگر کار مختار را توجیه کنی کار دیگران را هم توجیه نموده‌ای ای شیخ.

و به طور کلی از کی تا به حال احمدالحسن به ما اینطور یاد داده که به این بهانه که او موضوعی را مطرح نموده ما خود را نسبت به حقایق به غفلت بزنیم بلکه او همان کسی است که فرمود بخوانید و جستجو و دقت کنید و بیاموزید.

احمدالحسن در برابر کسی که می‌خواست او را بشناسد خودش را نشان داد و دیگران نمی‌توانند ادعا کنند او را بهتر می‌شناسند.

تمسک تو به ظاهر کلام امامت خوب است اما نمی‌توانی به آن تکیه کنی و خودت را با بحث خسته نکن.»

### شیخ ناظم العقیلی:

«سبحان الله من در یک وادی صحبت می‌کنم و تو به وادی دیگری می‌روی مباحثه اینگونه نیست خداوند توفیقت دهد!

چند مرتبه به تو گفتم که من در مقام توجیه اعمال مختار ثقفی (علیه السلام) نیستم بلکه سخن من تنها در رابطه با عاقبت به خیری او می‌باشد و اینکه او با ولایت از دنیا رفت آن هم به دلیل مدح‌های اهل بیت و رحمت فرستادن شان بر او و همچنین به دلیل موافقت سید احمدالحسن با تطهیر نمودن مختار توسط اهل بیت و موارد دیگری که آن را بالاتر بیان کردم و دلیلی برای تکرار دوباره آن‌ها نمی‌بینم .

بنابراین من در رابطه با مواضع مختار و سخنان او در زمان حیاتش بحثی نکردم بلکه سخن من در رابطه با، تکرار می‌کنم در رابطه با عاقبت به خیری اوست به دلیل نصوص اهل بیت (علیهم السلام).

شخصیت مختار در معرض بد نامی قرار گرفت همانطور که شخصیت زید بن علی (علیه السلام) در معرض بدنامی قرار گرفت .. همیشه افراد ترسو برای بدنام نمودن انقلابیون و پهلوانانی که مدافع حق اهل بیت هستند تلاش می کنند.

و تکرار می کنم که من در صدد بحث در رابطه با مواضع مختار ثقفی (علیه السلام) و حتی زید بن علی ع نیستم بلکه تنها در صدد بحث در خصوص عاقبت بخیری او و مرگ با ولایت اهل بیت می باشم.

پس تلاش نکن که موضوع را تغییر دهی و وقت ما را با چیزهای بیهوده تلف کنی.

و به تو یادآوری می کنم که سید احمد الحسن از عاقبت بخیری مختار و اینکه او با ولایت از دنیا رفت سخن می گوید.

عجیب است که کلام احمد الحسن هیچ گونه تغییری در موضع تو ایجاد نمی کند!!!!!!»

## بخش پنجم

### حیدر سلمان المجابی:

«عزیز من! اگر توجه کرده باشی من از مسیر امامم خارج نشدم و گفتم که مختار رحمہ اللہ، آنچه به سود اوست به سود اوست، و آنچه که به ضد اوست بر ضد اوست، و ان شاء الله شفاعت علی علیه السلام شامل او خواهد شد، به کلام من مراجعه کن حبیبی.

اما تو گفتی برایت شرافت و افتخار است که از یاوران و مدافعان مختار باشی؛ آیا از کسی شرافت می‌گیری که دیگران با او بیعت کردند و او با امامش بیعت نکرد، و در این حال نیز از دنیا رفت؟

این به خودت مربوط است و تو به حال خود آگاه‌تری.

و بطور کلی من مانند آقایم خواهان آمرزش مختار هستم و اگر در برابر قبر او بایستم از خداوند می‌خواهم که گنااهش را ببامزد و شفاعت امیرالمومنین (علیه السلام) را شامل حال او کند، و برایم شرافت و افتخار نیست که از یاوران و مدافعان مختار باشم، مگر در مواضع حق.

و الحمدلله وحده

هو ولیی وهو یتولی الصالحین.»

### شیخ ناظم العقیلی:

«مواضع شخصی من و اینکه گفتم دفاع از مختار برایم شرافت است به تو ارتباطی ندارد .. این موضوع ما نیست .. توجه کن که تو یکبار دیگر موضوع بحث را عوض کردی .. علت این کار تو هم برای دنبال کننده خردمند مشخص است!

موضوع ما عاقبت بخیری مختار است و اینکه او از شیعیان است .. بنابراین بطور مختصر موضوع عبارتند از اینکه:

بطور کلی درباره مختار یک نظر متعلق به مخالفان اهل بیت (علیهم السلام) است، که آن اعتقاد به این است که مختار، دروغگو و منحرف و مدعی نبوت و

جادوگر بوده است ..الی آخر. و این اعتقاد بنی امیه و بنی عباس و شیعیان آن‌هاست.

نظر دیگری هم وجود دارد که متعلق به اهل بیت (علیهم‌السلام) است و آن تطهیر نمودن مختار و مبالغه در ستایش او و رحمت فرستادن بر او می‌باشد، و شیعیان آن‌ها نیز بر همین روش عمل کرده‌اند.

اما وجود روایاتی که مختار را مذمت نموده با روایاتِ مدح کننده تعارضی ندارد. اهل بیت از عمد و بخاطر تقیه و ترس از ظالمان، برخی شیعیانشان را مذمت می‌کردند، و نزدیکترین حواریونِ آن‌ها مثل زراره (علیها‌السلام) هم از این مذمت شدن، در امان نمانده است. و امر مختار نیز به خاطر نهضت او و جهادش بسیار حساس بود، پس طبیعی است که روایاتی در مذمت او از اهل بیت (علیهم‌السلام) صادر شود تا اینگونه اذیت و شر ظالمین از او دفع شود.

و فصل الخطاب این است که اهل بیت (علیهم‌السلام) به ما دستور داده‌اند روایاتی را که شبیه مواضع و سخنان مخالفینشان است، به حساب تقیه بگذاریم .. و بی شک مذمت مختار ثقفی موافق نظر دشمنان و مخالفان اهل بیت (علیهم‌السلام) است.

بنابراین روایاتِ مدح کننده مختار بدون معارض باقی می‌ماند، و بلکه میتوان گفت مخالفت این روایات با نظر و موضع دشمنان و مخالفان اهل بیت (علیهم‌السلام)، قرینه‌ای است که این روایات را تایید می‌کند.

پس این مرد بر اساس ظاهر ایمانش و موالاتش باقی می‌ماند .. و بنابر اصل ایمان، که نقض نمی‌شود مگر با دلیل قطعی و یقینی.



جز تاریخ بنی امیه و بنی عباس و شیعیانشان لعنهم الله، چه مستندی داری؟! که حتی امام علی بن ابی طالب علیه السلام هم از آن‌ها در امان نبوده است!

بالاخر از همه اینها نیز موضع احمدالحسن علیه السلام قرار دارد که با شرمندگی تلاش داری تا از آن فرار کنی!

تو را نصیحت می‌کنم به اینکه به خودت برگردی و بر اشتباه اصرار نورزی ..اعتراف به اشتباه، فضیلت است.

و تکرار می‌کنم که من برایم شرافت و افتخار است که از مدافعان پهلوان انقلابی، مختار ثقفی علیه السلام باشم، در برابر کسانی که به او دشنام می‌دهند و بدون دلیلی او را بدنام می‌کنند.

از خداوند برایت آرزوی موفقیت دارم.»

## بخش ششم

### شیخ ناظم العقیلی:

«سید احمدالحسن علیه السلام در تفسیر آیات ۴ - ۵ سوره اسراء [در کتاب متشابهات ج ۱ س ۲۳] می‌فرمایند: مصداق "عباد المرسلون" (بندگان مرسل) در دفعه اول، مختار و لشکریان او هستند که خداوند آنان را بر قاتلان حسین مسلط نمود و آنان را کشتند.»

## حیدر سلمان المجابی:

«خداوند تو را توفیق دهد، درست نقل کردی و همانطور که از تو به یاد داشتم در نقل نمودن، پرهیزکار و امانتدار هستی خداوند به توفیقات تو بیفزاید. در این چیزی که [از کتاب متشابهات] نقل کردی کجا سید احمد الحسن فرموده که مختار رحمه الله با ولایت مرده است و عاقبت بخیری او را از کجا استنباط کردی عزیز من.»

## شیخ ناظم العقیلی:

«۱. کلام اهل بیت ع در خصوص مدح کردن مختار ثقفی و بلکه دفاع از او در برابر منتقدانش، واضح است.

و پیش تر درباره اثبات کلام آن‌ها علیهم السلام سخن گفتم.

۲. شکی نیست که در خصوص مختار ثقفی اصل این است که او در ظاهر، ایمان و ولایت دارد.. و تنها با دلیل صریح و ثابت میتوان از این اصل صرف نظر نمود.. که این هم چنانکه گفتم وجود ندارد.

۳. سید احمد الحسن ع در تفسیر آیات ۴ - ۵ سوره اسراء می‌فرمایند: مصداق "عباد المرسلون" (بندگان مرسل) در دفعه اول، مختار و لشکریان او هستند که خداوند آنان را بر قاتلان حسین مسلط نمود و آنان را کشتند. (کتاب متشابهات)

در اینجا خداوند سبحان مختار و سپاهش را اینطور توصیف می‌کند: بعثنا ... عبادا لنا (بندگانمان را مبعوث کردیم)، و این بر این دلالت دارد که آن‌ها از جانب خداوند فرستاده شدند و بندگان خداوند بودند.

و سیداحمدالحسن علیه السلام میفرماید که بندگان فرستاده شده [در این آیه] مختار و لشکریان او هستند، حال آیا آنها از جانب خداوند فرستاده شده‌اند یا از سوی شیطان لعنه الله؟! معتقدم مطلب بسیار واضح است.

۴. اما کلام سیداحمدالحسن در خصوص تطهیر نمودن مختار ثقفی و دفاع از او، این مربوط می‌شود به گفتگویی که بین من و سیداحمدالحسن علیه السلام رخ داد در خصوص حمله محمود صرخی به مختار در جلساتش در کربلا طبیعتاً این در صورتی است که تو نسبت به نقل من اطمینان داشته باشی همانطور که گفתי اطمینان داری.

و دوباره تو را نصیحت می‌کنم که به وَرطَه حمله به مختار ثقفی نیفتی .. خداوند توفیقت دهد.»

## بخش هفتم

### حیدر سلمان المجابی:

«اگر یک برده حبشی کارهایی را که مختار (رحمه الله) انجام داده، انجام می‌داد، آل محمد ص او را ستایش می‌کردند همانطور که مختار را ستایش نمودند، چون سزاوار آنهاست که مردی را که بعضی از قاتلان پدرانشان را به قتل رسانده، مدح و ستایش کنند، زیرا آنها اهل جود و کرامت هستند.»

مختار، امیرالمومنین و حسن و حسین و زین العابدین علیهم السلام را از نزدیکان پیامبر بشمار می‌آورد و مانند دیگر مسلمانان به آنها احترام می‌گذاشت

و حداقل در ظاهر، پیرو اهل بیت نبود، و بطور کلی قضیه پیروی او از اهل بیت یا عدم آن، به آقایم احمدالحسن (علیه السلام) واگذار می‌شود.

عبارت "عبادا لنا" (بندگان ما) در این آیه، عام و کلی است و خاص نیست، مثل این آیه: تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا (این همان بهشتی است که از میان بندگانمان به پرهیزگاران می‌دهیم) مریم/۶۳.. توجه کن در این آیه از عباد و بندگان صحت شده که بهشت نصیبشان نمی‌شود، و مسلط شدن الهی نیز ممکن است از طاغوتی بر طاغوت دیگر باشد و دلایل در اینباره زیاد است، اما ارسال و فرستاده شدن از سوی خدا، بله، مثل فرستادن تند باد بی باران (الريح العقيم) است که برای عذاب نمودن قوم لوط فرستاده شد و بی شک مذموم است.

اما حمله بر مختار یا دیگران، کاملا غیر قابل قبول است، مخصوصا اگر آن شخص خدمتی هم به اهل بیت ارائه کرده باشد لازم است تا برای او محاسبه شود، و من به پرهیزکاری تو در نقل نمودن، اعتماد دارم، اما گاهی اوقات فهم و برداشت‌ها متفاوت است حبیبی. اما نصیحتت هم ان شاءالله نزد ما در نظر گرفته می‌شود.

و نصیحت من به تو این است: مطالعه کن و نفست را قربانی کن و در آنچه برایت گفتم تأمل کن، مختار (رحمه الله) همانطور که گفتم آنچه به سود اوست به سود اوست، و آنچه که به ضد اوست بر ضد اوست.

از خداوند عافیت می‌خواهیم.»

## شیخ ناظم العقیلی:

«هیچ چیز جدیدی در سخت نبود..تنها، عناد و لجبازی بود و لا غیر.  
اکنون صاحب اختیاری و آنچه گذشت برای فرد منطقی و هدفمند کافی  
است.

خواهش می‌کنم بار دیگر در اینجا ننویس [و بحث را ادامه نده] زیرا  
دوست ندارم وقتم را با مرء و جدال بیهوده هدر دهم، زیرا ما از این کار  
نهی شده‌ایم.

تو در برابر مختار ثقفی موضع و نگرش بنی امیه و بنی عباس را داشته  
باش و من در برابر او موضع اهل بیت و موضع فرزندان  
احمدالحسن (علیهما السلام) را دارم.

بحث به پایان رسید و حرف دیگری را در اینجا از تو نمی‌پذیرم»

منبع:

[صفحه فیسبوک شیخ ناظم العقیلی، قسمت نظرات](#)